این روزنامه بدون تناخای کتبی برای کی ارسال نمیشود

إلهذا شور مشتركه صاحبان طلب ال لمجار لخانه مذكور فوق كمال لزوم را

دارد و قريما اميد لحصيل نتيجه مطاوب ميزود بايس واسطه بعضوم آقيا يان و

خوا ابن ومؤسسات خبريهو غبره اعلان واخطار: مي شود محضخا لمه دادن ابن وضع

انتظار و بی نکلیفی طالبین روز جمعه ۲ شهر رمضان سه ساعت بعد از ظهر در منزل

د كتر رافيا بل افا با بهان در خما بان علاء الدوله جنب مهدان نوپخانه نمره ٥

ماليانه ششهاهه سه ماهه داخله و الله مشهاهه سه ماهه داخله و الله و الله

Commence of the second

كابينه آقاى مشهرالهو لهساقط شدها قإي

سردار سپه وجوده نکارنده زا در نهران

لازم دانسته معاربية ما المعارب

ه الله المورا ادارة معارف را الحويل

نا عقرب ۱۳۰۱ – که تنوفسیم

عين أيغون مقدار مجمو ل سال كذشته

الخيف آن را معين كند . وعلما يق ميل

د ها و فنان نفش بر المعربية الم

وسي بجاوست بهن ازمعامره ظلكرافات

عديده ــ به نلكراف انه متيسن شدند

على وتعجد عامع آدم فرستادند .

در نتیجیه کشمکش طولانی حکومت

كبلان الم يبدياد ماليه - رئيس معارف

مبقت لجار فراددادى منعقد كردند

ن ﴿ - عواید باسم انجمن خبرید در

٧ - حواله جات بامضای بیشکار

المسيرة - الراب وصول - العدين

ماليه و دو نفر إز أعضاء منتخبه انجس

المعادية المعادية المعادلة الم

مصارف عابدات با شوب انجمن خبریه با شد . عبین مبلغ مصارف معارف

حَمْرَيْهُ أَمَّا لَصُوبِ النَّجْمَنُ أَبِيْدُوهُ ــــ

مشروط بر آینکه از عده مدارس موجوده نکاهند. انکاهند. اودجه معارف کنونی با

حَصُورٌ قُمَا يُقَدُّهُ حَكُو مَن \_ يُبشكار ما لبه

رئيس معارف دُرُّ انجمن خَبْرَيه يُصويب

شود . ۳ ـ آمین مامورین وصول پرطی

پنجشاهی \_ باستثنای کمرك \_ با لصویب

ا نجمن خبر به باشد . ۷ ـــ انجمن حق نفتېش در کلېه

أ قرار داد سأبق را مد كه از هر

نقطه نظر مقرون به مسلاح دوات و

أَهَا لَى بُودُ \_ بِمُوفَعُ عَمَلُ لِكَدَّارِ وَنَد .

إَهَا لَى هُمْ بِهُ الْجَاجِتُ افْقَادُهُ مُواد فوق

رأ به نمسایند کان دولت در سبلان

قبولاندُندُ ١ أَلمام أَخْتَبَارُ بِدُشْتُ إِنْجِمَنَّ

مبافتاد . د كر وزارت معارف يا مالبه

مخارج داشته باشد .

خانعل هواه ديل : الله الله الله

بانك كذايده شود المانية الماني

بودجه مدا رس دل پرداختند من این

ممتابه بوء انجس خبربه خوات

و بسمت لهذان حو ک برکرد مرکسید

بردائت برنج است \_ ، الله

14.4 m En 14 m E » منسن همة صاحب امتياز ومدير مسئول : داور نماينده دارالشوراي ملي

عامات المنعة اول المناسبة المرى الم المران المناسبة المران المناسبة المران المناسبة المناسبة

ملحه دوم و سوم ملحه دوم و سوم

. . . محل اداره : طهران خبابان علاء المو له

ALL THE THE STATE OF THE STATE

J- YV مريشان وي باعث ول مي جرد .

و والا در مسرسيدند : و مشكلاتوا مي بینید و که میشود کرد و شما هم جای

أه و مكمر تبه كوش ها تين شد ال

But the way I see " high the said street to The world have to the time بالاواثث لومنه على على الما الله

الكارش هيز م فكني است وفعلكي إ ه اله الله المنا الدارد : كسى مايل به مَا مُمْ مُسْلَمُ بِنَا اونيسْتَ ، كَاهِي بُشْتِ و ديوار. ميدان مشق روي خاك پهن میشود و نیم تنه مندر سش را انتاب مدهد ، بعنی از شبها مست است منظیرین کم زهره از حربده اش فرارمی الربيعة فراد حيكفدا والما معدا المعرفان مثا است ابيند معت عاها كيد ب النوالي المداد من المناح شالما قر كوجة أو العراني مايه الدان ولوبود -المناف والديد ماير المنافر منافل فارم که سر بازهای ماجمو دند

- به میکروند از ا ولا المالكة منه ر نك ب الي الومناع فاله داشتند - تاسفعى المرودلة موس كارموانغ راميشه ردند ما بوديد عاجز مي مانديد ا 🔻 وافعا

هرواهي بنظر سيد و باوسائل عادي واشخاص عادشيك اعتلاح نظام الران المكان نعادة . أي المداد المدا بيك طرف فكاه مي كنند - چه اتفاق

الثاده؟ هي : م عكنفر، مرد بندا شد! الله الله على الما الما الما الله عجز شما

ازبی لیانتی شما است - من بر این الران عرباز عدارم المراه مدا ما من من من قاعا ميكند -همه از هم میپرسند د ممکن است ۹ أُمْحَالُ نَيْسَتُهُ \* قَالَا بَقُ هُمَا 'زَبِر لَبِ"َيُ خندند - بهم چشمك ميزنند:

ایران و نظام حسا بی ۶ ---

حرفها ، اه يه المراج بوسيد الم يعدون

مُ مُمَّا مُ مَن همه تماشا ميكنند ، نقش اميد در قيافه همة اشكار شد. رنك نا لايق ها بيده و تبسم ها رفت و وأستى أن مردسم ميكند . نزديك اتُ با هما في مصالح مه ولي سرباز، و قمی بسازد ۱۱۱

ير . . . ممه تماشا ميكنند . نبض نالائق ها ساقط شد. دل مردم ازوجد و شوق بطپش افتاد

منتنع بوجود امد ، سردار سه بیشاز وجهل هزار سد باز ساخت آ ــ مَا دَكُر بشرحُ إِنْ نسيردازيم الله

ایران – ایران چرند امروز رًا مُعِكُونِيم = ايران فردا شكركذار این اولاد توانائی است که بلك چنین - عظامي براي مملكت شاخته ، سرهور سيد الله كرد كه بديغتي ايران از عدير استعداد ملتش فيستر- رئيس با كايت لازم التا الما علاما على

ي نظام فعلى ما را با فشون ــهـــال قبل به شفجید - تفاوتش را به بینید تصدیق کنید که از سایر وزراء مد یك سر دار سیه کار میكردند ایراندما آمر وززندگانی ابرومندی داشت کنید

ولی ابن و زرای مستمل کجا و مردار سیه:

تظام أمروز اير ان را تشرد ار شيه بوجود اورد اما اساس ان براصول بنيچه و ر ازیادگار های عهد مرحوم امیر کبیتر اُستُّی آ

این ترتیب بازندگانی امروز ما مناسباً نیست خدمت نظامی را باید اجاری کر د شهر نام در مه - حفظ استقلال مملكت و ظيفه يك مهن في المستمارة الله الما المستمارة المستمارة المستمارة المستمارة المستمارة المستمارة المستمارة المستمارة الم

باين وظيفه يرشرافتند و لا يحه قشون كيرى عنوسي و احباری که قایے وزیر جنك بهمجاس اورده اند بهمضرات بنبجه ومحسات سر داز کیری عمومی اشاره شده سما

تك شماره - ب این روزنآمه بنجشاهی است

د اشت البته كمسيون نظام به سرءت نظام أجبارى خواهد شد م حيا الماورة

ورطی خیطامی ا

آقای و توق السلطنه نــ حکمزان جدید ــدراجرای احکام مرکز ــ وصول عايدات من المس مدارس مساعلت نام يا اداره مألبة و مقارف كردند .

انجس معارف أبك الو دَجه شعث عزار كرده بود - المؤيب كرد ولي براي بقُّبهُ سال الحصيلي ١٠٩١ ـــ . أَمَّهُ إِنَّا شَدُّ از هَمَانَ سَيُّ و هَفْتُ هَزَّارٌ نُوْمَانَ لَجَاوَزُ کند دار الایتام را هم از پوطی پنجشاهی

بلدیه رشت اداره کرد . ابرای المتبش أمحارج ــ بله نفراز انجمن معارف افتحاب و مُدت بكهفته به دُوْسًا كُنْرُ وَ مُحاسَبًاتُ وَهَارُفُ رَسَبُدُ كُنَّ گردند ، باین ار ایب یکی آز منظورهای اصلی آنجمن خبرید ــ که نظارت در جمع و خرج عوائد بسود ـ بعمل

از اول لوز نيمت تك المره in the second second

هم مفصلا در این باب صحبت خواهیم وظفه مطالعه خودرآ انجام خواهدداد مجلس چهارم بزرگترین خدمتش را که ممکن اشت بك مجلس با بر آن بكند خواهدكرد ووطن ما هم صاحب

and have the second to be the top to the time

يس از حرك آقاى ساعد الملك داره ما لبه و مكرك شروع باخذعوابد كردند . شها روس ها زير بار نوفنند ولی یکی دو گئی که در بندر معطل ماند و بانها إجازه حرك ندادند \_\_ عوارض وسول شله دولت هم در مر كر با سفارت روش داخل شدا کره شد و آنا را متقاعد کرد که پوطنی تجشاهی را، ناهیه کنند . آنوقت کار بهجریان وافتا مدرحقوي معوقه معارف برداخته شد الداره معارف شروع باملاح مدارس رشت و انزلی، کرد شداری اطراف سیک در تتبجه المقلابات العطبل شده بود ــــ از نو مفتوح کردید ، در اول جنوزا ۱۳۰۱ هنده باب مدرسه دو لتي در کبلان باز بُودُ وَ يُودُجِهُ سَالُهَا نَهُ آنَ بَسَى وَهَفَتَ هزار نومان بالغ مبشد .

كرجه انجس خبريه منظما تشكبل نَشَدُ 💆 ولى مطابق أسول خيماركانه 🗠 كة در مقاله قبل ذكر كرديم ـ رفتار

آلو ما نی کے کہ ادارہ معارف پیش نہاد

ناکاه در مرکز بحران بېش آمد . حقرای نداشت .

وزارت معارف هم امضای نم یند. خود را اصديق نكرد .

مرارداد بموقع اجرا كذار دمنشد اها لي دو مرابه بصدا آودند . منشأ أن امريكائي عوايد زا نوقبف كردند آخر سال ۱۴۰۱ رسید . مدارس نزدیك ، بود منحل شو المدر وزارت ما لبه مستور داد بودجه معارف را نا آخر حوت

مُمَمَّلُهُ يُوطَى بِنْجِمُاهِى إِذْ لَا بَنْعِلُ

( صديق اعلم )

وارالورايي

- خلاصة مذاكرات مجلس ــ بوم المه شنه ۲۷ حمل ۱۳۰۲ مجلس بك ساعت قبل از غروب برياست آقاى مؤلس الملك لشكبل و مورث جله قبل قرائت و سويبشد آقای رئیس اظهار داشتند که از طرف وزارت داخله شرحي بةمجلس نوشته ودر خفوض ابر قووخلجمتان کی حدوزہ حکمومتی آن هما النامر" نموده آیا حوزه انتخابه آنهاهم لغبير مبيا بد يا اينكه منك سابق خواهد بود

بعد از قدوی مذا کوات قوار شد بيوزالات فاخله نوشته شهد كه جون نسرى درقانون انتخابات هاده نشده مثلسابق معمول و مجری دارند

👚 آقای کازروانی افاضا المودند که بهشنهاد راجع بانتخابات نماينده بسراي بحرین جزء دستور شو د

آقایان ارباب کمخسرو و آقا شَبِحُ اسد الله عقبد، داشتند كه قبلا طبيع و اوزیع بشود بعد جزء دستور کرده فحج ات ا

الأبعد راجع به ماهي پنجاه او مان كمك به مجله معارف مطرح و بعد از قدری مذا کرات باورقه آخذ رای بعمل آمده باکشویت ۵۲ رای از ۲۹ آهـ س تماينده حاضره المويب كرديد

لابحه مستمرى شالار محتشم مطرح و بعد از مذا كرات با ورقه اخذ راى بعدل آمده باکتریت ۱۱ دای نصویب

لایحه کمسبون بو دجه راجع به ا ماهی سی نومان باسم خرج انحصیل از جواب سم

كه از طرف انجمن نظُّــُـارَتُ مُثُّرُ كُـزَى ۗ

رای عطویت دعوت شده بود قبدول

درخواست وجه

سايقاً دو هزار أو مان وجه انجمن

م م كن ال و ذارت و داخله نقاضا به نمو ده

بود و حسب الحواله وزارت داخله از

ا طرف وزارت ما ابه نادیه کو دید مجددا

حومه طهران انجمن نظار از وزارت

كاخله نقاضا نلودند سيعت سية عو سيد

ت امتخابات مال متوعه له بركم

دارة حكومتي أمر شد كه شروع بتشكيل

انجمن نظـــارت انتخاب ارامنه. ، ،

زر دشتی ها 🖟 و کابسی ها م بموجب!

قا نون معمول. فينما يند هممن قسم متحدة

ارسال المرفة المرافة المنافعة

روز کذشته از وزارت داخله به

باکشتریت ۲۴ دای نصویب کردید

بعد از بك ساعت مجددا مُعجلس نشكها

به الحسديد كنترات منتودا او ويوزية

مرای مدت سه سال برای معلمی عاوم فیزیك

و شهمی مطرح و مذا کرات زیادد، کلمات ا

ر شاهزاده محدد و انی مېزور بامقدار .

حقوقی مخالف و ای با مقداد یکه در نمال

﴿ ابت ثبل مهكر قند أكر قبول شوده و أفق ا

بودند ولى آفاى اقبان السلطان عقبده

رداشتند که این زیا دای حقیوتی مطا بقی ا

رکنترات اوست و باید رسبه کی نمودو

دید ایا نصری علاوه بر قرا ر دادوهنگ

﴿ آقایان کازرونی و استشار اسلطانه ا

بهشنها د نمو دند کهلایحه از وستور خارج ا

شود و بعد از مدا کرات با نمایشد:

وزارت معارف طرح کر دد و آقهای

قصرة الدُّوله با اين پېشنها د منجا اند و

عقبده داشتهدا كردو مهزان حقوتي اعتراضي

هُـت ممكن است ببشنهاد نموده مذاكره

مد . به بېشنهاد فوق اخد راي بعسل

آ قای حاج شبخ اسد الله عقبده

داشتند كه بايك مبلغ عادلانه اجسديد

كنشرات شود و اكر قبول ننياريد

ا قای مفاون وزارت عدایه شرحی

سنن ثنك بلور

از عمليات آرسن لوين )

پرسبد : مكر واقعه نازه رخ داده ۴ په

جواب داد : بلی . کانت : خبلی مهم است .

حِوَّابِ داد : بِسَهَار ، ﴿ لَيْكُوْنَا } أَنْهُا اللَّهِ اللَّهُ اللَّاللَّاللَّا اللَّلَّا اللَّهُ الللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

كَفْتُ : إِنَّ مِنْ رَوْدٍ فِكُو لَهِدُ بِهُ فِينَمْ جِهِدْ أَنَّهُ

الوفان أذ جا جديم با كمال اضطراب كفت

الظهار كرد : • دو برك ، مراجعت كرده ١

هان ۱ چه کفتی ؟ د دو برك ، مراجعت كرده

المُجُوِّابِ أَعَدَادُ : نَحْبُو مُ اينجا آميد و تَوْوَ بَانَ

برسيد : به اطاق الحر بر هم وارد شد ،

جواب داد . امروز سبح .

كانت : حطور كداشتهد وارد شود ؟

الساعة اينجا إلت ؛

راجع به متخصص يو دن معام اظهارا

معلم ديكر كينترات نمايند

لايحه كمسبون يؤدجه ولديم والجم

آقای کاِزر و نی مخا لف بو دند ی با دو هـزار او مان حقوق موافق with the second of the second المَّانُ اللهُ إِنْ سَاسِعِي رَاجِعِ الْجِعِ

شوايط علم متخصص أظهار و عقبدها ، داشتند جون دربن جند ساله شا کردان از او از حبث نهم مطالب که ندریس مَنْ الْمَا إِلَّهُ الْأَمَّا إِنَّ وَارْ لَدُ الْدُرِهِ لَجِدِيدًا كنترات موافق بودند \* مذا کرات را کافی دانسته برای المؤر "در مواد" احد راي ممل آمد. المُورِّبُ عن الله المراجع الماسكة على المراجعة مماده اول قرائت کردید و آقا الشبخ مرائض أثناه الله بو دند عد ا آقای و ٹیس ۔ آماضا کموڈہ آند ولى حَلَمَاتُ مَجَلَسِ شَمِهَايُ بَكُشْمِهُ

وأ دوشنيه و خهارا شنيه و بنخد يمويجمعه ) دو ساعت و نبه او اشت ر فته ، اخذ رای ا بعمل آمده لصويب نشد والسناء والا ال طرف يكي ال المان بالماد المايند كان بسنهاد شد كه شب جسمة مجلس مشوعة اخذراي ا إيمالي من عويات عدا بالله الله آقای معاون وزارت عداید اظهار غاشتك حوى از طرف، احاذمددادمشده كه قا نون الخبر شيت استاد كان كانو كسمبور كاشته معرى كروق بطور موقعووباعدم النائ فاغون ثنت المنادسا يعي باعداشكال البي لايمه دونقاناهم لناي 7 تونسليق المت أسناد القديم سيكردد الناع الفائل والمرتبقاي وشين الني لليحه ليزعدستور

فرحارشت مخوناهد فرقاله يعا سي ومراده آقائ سبد فاضل عقبده داشتند كه ا المحالي كانورو ني أو المحالفي كاد اجم أمام ساعات خودش را مرف الدريس - بعد فيسو بيك مين المنهو أن بنا بيود طبع نماید و سالی سه هزار نومان در یافی: نماید الوزيم شود خيف شد كن بتاخبن التاد آقای رئیس مذاکرات آقا سبد و القاصل المودند كه رود عن طبع المود آقای رئیس نعا دور قبل قرار فأمل زاجع بماده دوم بود تند الذكو قاده اشؤ د كه كمتبوان زؤ دار آقای داورشرخ مبدوطی ازجریاز

which indicate the all salas fol سة ساله ميو اوويزيه يا وزاوت معارف الله والمنززا عيدا الوهاب الكر العبين اظهار و عقبده داشتند که مداوس خوب كمستنو نعااتكال دارف خوب أتت كحشبون معلمین خوب می خواهد و این معامدا های سایق مدآله ممیزی نمام نمایند

كُفْتُ : آياً دُدُ اين اطاق و تنها ماند ؟

( فو برك ) مراجعت كرده و سر الله "بلور

اوین مدلی ساک مانده بنکر فرو رفت و

ول كُفْتُ : او آملُه استُ لأحريه خُوْدرا لمرف

٨ ... - في هم تداشته ( دالبو فكس ) پس از

و قبف شدن خبانت هسای او را بروز داده و

( دو برك ) مجبور است برای مدا فعه سرّ الله باور

ا حربه وخود قرار دهد مردم في از سال هذا

مسهدند . كه (دو برك خبانت اشحاص وا فاش هي كرده

آن ها را بكشتن مبداده البته آكر (دو برك)

انك بلور را فر دست نداشته باشد أنى نوازد

خُودٌ رَا از شر جَكُونَتُ وَا مَرْدَمْ حَنْظُ الْكُنْدُ عِنْ

خارج شویم . روی آلوین پرید . دیگی از روی آلوین پرید .

جواب داد : آری مخودش امر کرد که ما

آ قا سيد يعقوب أ بارها عرض

الموالات آقاي لديقة إلى على عنور المدالة كمي ون الله حكايت و المعاور والهورت بعرض مجلس رسا ندند مجلس دو ساعت از شب کادشته

### احارسري المعاملية ساغه المعاملات والمستساد

روز كدشته خمار قبل از اظهر والمالا وتعظم أيالات وولايات أمر شد كما

الله از طرف إدارة حكومتي لعرفه براىساوجبلاغو دياوند و غار فشافويه و ورامين ارسال كرديد كه مطاع بق الما اعلان مركز مع آبن نقاط شروع بامراً ا مذا كره أو رئيس دو ك

قريب يَكُ ساعت واجع البراب

أبس الوزرا مننول مذا كرة بودند وْرَاوْتْ لَجِنْكُ وَأَ مُوْجِبُ اعْتَبْلَا لَصُوبِا مجلس عوداي مطفي المويقيا مموله ويونظان بالايا حتل حواد بنظل والمعتدا خسكو متن نتكبل كرديده سي و پنج از وزارت مالبه باداره کل کمویات نو شته شد که هر کس بخواهد مواد! طه - ران را هرای عضویت مفید علوره أو ويسلم و المعلى فعار لعموت المسلول و مد كرد god with the artime to the العامرا قبول عضويت عمه بالب حاجى عباسقلى آۋا؛ ئاخبر البرايزى 

مَتْ وَوَشَهِعُوا الدُ الْمُهَمَّةُ وَرُرُوا النَّوْيَافِ مركت خودشان المؤربايجان با آواي الله المعادون كانته المجمن فظادرت مر اكرى الم قبل از علوت في أبلد الم علير العوا اداره والمسلام المعمو الفقين وومعتمد بن معلات و فيتول خواد شان درانا ، رؤز پيجشفيه اطلاع

برای جو الگیعاض میشو ند نقاضا مینما بم الطلاع داد، شود حاسر شوند برای جوانیا

حتب الأمر اعلمحضرت هما و ني . آقاي وزیر جنك در قصر سلطنتی بعضور اعلبحضرت اشرف خامل نمسوده مدالي مشتول اصفائ اوامل ملو کانه بودند المراج ال

ظهر اعلبحضرت همبوني و والاحضرت أقدس ولايت عَمْسَلَدُ المُنزَلِ " شَاهْزًا وه " كاموان مبرزا امبر كببر اشريف برده ومناسبت ملافات معظم له هر روز حشن مراسم باز دید بعمل آمد

روز كذينته والاحضرت أقدس رُلَايتُ عَهِدُ مَمَا لَمَاسُ نَطَأَمَى كَا حَبْدُ رُوزُ

كردم از هبئت دولت سؤال مبدود و in merce un

# A Section of the

شروع بمقدمات امن انتخابات مللمتنوعة ا 

المتخابات إبنها ينه مينك ورقة اعلان هسم برای هر یك از نقاط فوق ارسال شد که در معل منظر انهایند معاسفت مفريب بوقعه الما ال كدوون بو دجه مجلس شوراي بوادمه مذه المنه فكوز نبل وزارت مالمه

معتكان ما معتال جلا حمله نشا بلا قبلا المعتلود باريس موسفا وقاريصدو وعاريد ربوزادت فوالله اله و فجانت مراجعه المودت جا معي از وضعبات كعاد لي و نموده اجازه صوبح که شامل بر امبین افتصادی و نوبت ناکس اجنامی و کفتی محصول حبكل ومبران حقوق دو التبوده الما وعبره ارسال: بلنز كلي نموده الت الماشد العذبال أنه ودا بش الأه آن البايزة العليم ها لمد رطاية المعلم المعلم علينيا أُجُو اب داد : فقط ببست ثانبه در آ نجا ماند كفت : حطور [ فقط ببست تمانيه ؟ را بداع أَحِوَاب داد : فقط قبيت ثانبه ا

ورسيد : حوساءتي است وجه يد سازو لسراء ما پرستبد: راستی (دوبرك) از نوقبف ماركی (دا لبو فكسّ) اطلاع داشت ؟ حَوَّابَ دَاْدِ : إِبْلُيْ رُورْ فَامِهُ ﴿ الْمِهَارِي مَبْدِي ﴾ . رُّلُ قَرْ حَبِيشُ فَيْدُمُ . أَيْ حَبِيشُ فَيْدُمُ . أَيْ حَبِيوُ (بُراسُو بِلُ) بِشَمَّا اللهُ عَبِيو (بُراسُو بِلُ) بِشَمَّا فهميم كه سو انك بلور در كجا بينهان الجوده نگفته بود که ( دوبرك) ممكن است مراجعت كأد ا كفت : خبر دو غباب مسبو (در اسويل) من ا اذا دارم بلبس كنب الكليف كرده ام كهم يا ايددراين خاله بما أبم يا ابن كه آنوا لخلبه منهم الوالى المالا فهميدم كه مقمود و دو برك ، از كلمه ومارى، هُنُوزُ جَوَّا بِي نُرْسَبُدُهُ است لابد مبدانبد که فقدان، چه بوده ای م ایندفعه دیکر مقبع نردید نداره نَا كَمَا نَي ( دو برك ) در مردم حقدر نا بمر كرد و البته به مقصود خواهم رسيد ١١ وه المعلم نَا وَقَدْي كَهُ نَمَى دَانَاتُنَا أَاوَ جِهِ شَدْهُ اللَّهِ وَظَيْفُهُ ا آنَ وَقَتَ أُوبِنَ مُجَدَّدًا رُو بِهُ رَبِّسُ نَامِنَاتُ ۚ مَا بُودَ كُهُ خَانِهِ أَنْ أَنْ اللَّهُ اللَّهِ الْخَافَ كَنَامِرُوْ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّ 

لویان کات : در صور ای که ( دو پر ای) به تدارد ، خونک او سرانه بلود دا دده است. ولی هنوز این حمله را نیام نکرده بود که خيالى بسوش رسيد . بيش خود كفت درسور لي كه • دُو بِوَكُ أَهِ إِسْرَ أَنْكُ مُرْمِلُونَ بِرَاءَ أَبْرُونُومَ لِلْمُسْتَنْجُهَانِي آنوقت به اطاق ليحريشوروفيه تغلوي بميز

distribe to the same of the sa The de ad a first with a second contract of the second contract of t

الموده روز كذشته در المجمن معفور ﴿ لَلْكُرُ افَّ وَشَنَّهُ شَدْ كَهُ رَاجِعُ بِحِوْلُ وَنَقَلُ طَّلا و نقره از راه دریا ماین آستاراو النزلى و ارديهل قانونا مدنوع استبايد رز حمل و أمّل أين اشهاء إزطهريق دريا نظارت مر کری برای تمخارج انتخابات سب برای ا کیوز پیبون میکو روز کذشته کمسبونی در وزارت فوالد عامه براى ليوبب نظامتا مه حسل دُو هزار لُومَان وجه جهت مخارج انتخاباتُ ا

مال التجاره باكبو زيدبؤن ممكو بطويق

ديل منعقد كرديد

منع حمل طلا و نقره

منساز وزارت مالبه به وزارت پست و

حاجي امين العنوب وثبس ــ معبو کولاك معاون ترکیل کراسی و آشای فطن الملطنة فايبر أبس - مهذب الملطان هاشمي ألم آقاي مما عمو مناور يُرُورُ ، نظام نامة كه آقاى فطن السلطنه نهمه نموده نود قوائت و يك تلت إول لَصُو بِبِ كُرُ دُبِدٌ بِنْمَهِ مُوْكُولُ أَجِلُهِ آلمة كا روز بنجشية قوم رمعانهات

اذَا مُررُّزُ مِمْنَا سِنْ مُنْ مُنْ مُنَادُكُ وَعُمُنَانَ وزان لغاتها و بدادات دو لتي از دوسلمت بعد از ظهر افتتاح و در شاعت بیش از ظهر نعطيل خواهد شد وزارين سُمَّا لَئِهُ وَرِوا عَلَمُ الرَّبِي كَامِنًا مُعْقِهِ إِذْ ظهر دا أر و منول كاير خوايد شد ا

أمايتكاه امتعه وطني ا رُورُ كَدْشَة بِكُشْهُ مَعْلَاسُ ازطرف ودارت والمعنام والتلافظال ومده حضوب آفاى حاجي مجتنبي المطنعوذين مقارف و رقبي سايشها امتعه اللي والديما المنظرات الزيد الكما يلى لت پیشنهاد و پس از صویب لکیه دا بدای مَعْلُ لَمَا بِينَ الْكَاامِنَةُ وَطَيْنَ الْمُعْلِينِد

ا س باديني درود ودر جواب متحد المال وزايت فوالدر عامه بمفار لها نهای ایران در عارجهوزیر

اطلق فحريروارد شده ديكر فعليه بااشقال خامه اهميتي که این شبقی در آن مخفی بوده خالی ماندهاست ا باس بدنها که میز احویر را نیشش کنیم ویه المُدَاخِتُ مَ وَ حُونَ وضعبت سابق آنرا كأملابدُهن سرده بود برودی- آن شبلی که از دوی مین کم شده بود پېدا کرده و پېش خود کنټ څخېې آنوقت از خانه ( موبرك ) خارج شده در

مري الله ميكنم عناؤب ميثوم والمستران المستران المدر مبرفت . وير تك يلود أوا مبدائدت و أو طرف ديكن هـم افاديساودايش طلبيده يرسبه : شما اطهبنان داريه ﴿ كَلَارِيسَ } منزل أَكْنُونِي وَكُمِلُ مَجَاسَ رَا فِي أَكُمْ بِرَاى مِنْ وَ ابْنِدُو نَفْر رَفْيَقُمْ كَاغَدَى تَرْسُهُ وَ ا ور الله الله عبومي و ( الله الله الله عبومي أَمْهُمَا نَجَانُهُ ﴿ فَرَانَكُانَ ﴾ كَمْ بَا ﴿ كَالَّارِيسَ ﴾ در

ن خرب المالية المالية

﴿ وَا مِي مِدِيرِ محترم كُرْ حِهُ آيِن مُو مَا بِقَهِ شَمَا بِرَاى لِتُورِرِ أَفَكَارُ فِي فَا أَلَمَهُ

نبست ولي از انجا نبك بعقبه من مقصود اساى از اين دو مسابقه ( شوسور خوب

زن خوب ) از پرده ببرون آوردن بك سلمله حقایقی است كه هنوز ملت پای بان

تمرده اند در این مسابقه شرکت جسته نجند سطری در اینموشوع بعرض مبرسانم

آنها سفات نبکو را برای یک زن یا یک مرد کافی ندانسته بلکه معتقدم که پساز

أنوا فَق عَقْبِدَه فِا بِدَ هُو دُو از أَيْنَ نَعْمَتُ أَبِهُوه مَنْدُ بِأَشْنَدُ حِهُ اكْرُ لُوا فَق عَقْبِده بِينَ

آنها احداث نشده یا یکی دارای صفات حسده ودیکری فاقد اخلاق باشد بدیهی

است که عُمْری به المخی وادبار می کذرانند و هر دو به زحمت خواهند بود

﴿ رَوْحِ رَا صَحِبَتُ لَا جَسَ عَـَدُ ابَى است عابِم ﴾ و بديغا نه ، آ داب و رسوم

حما مردم غا آسا موجب جنان بد بختی برای طر فین می گردد زیرا نه زن

وا مسر و و نسبه مسرد وا زن ﴿ خَسُود ﴿ انتَهَا بِ مِهْكُنْدُ بِلِّهُ وَمَا تُطْهِي بَايِسِهُ ﴿

أَنَا أَمْعَا مِلْهُ سُرَّ بِكُبُرُدُ وَ حُونُ بِكُ وَاسْطُهِ خَوشَكَلَى رَا بُرُ عَلَمْ وَ يَكُنَي لدول راهر هر

دُو و ديكري مهمان نوازي خانواده عروس يا داماد را بر همه ترجيح مبدهد و

بالأخرم مرد يا زُنَّ أَيُّبِجاره هيج إطلاع تُدارند و ديكران براى آنها زن يا شوهر.

انتخاب مکنند بدیهی است که آین انتخاب کمتر مو جب خوشوقتی و خوشبختی

آنان مبكردد " بديخت ابراني آكه كلبه مقدرات خود را بايد حواله بتقدير

المُحْمِيرُ وَ الْمَعْوَاتُ وَ الْمُؤْدُ سَمًّا لَيْ آثان كُوْدَيده مُبعُواهند هميته شوهر خودرا اسبر

فسكر قاقس و پنرو عقبده غلط خويش قمايند و معلوم است كه مود هر قدرخلبق

و نجیب و بی جبر هم باشد انجمل خوار ده نو ما بشات جنین زنی را نکوده

بهترین سفائی کود من برای بك زن افرانی عتبیده دادم همانا عقیده تایت سدهب

و وجدان خوید و داشتن مطومات علمی و آدبی است چه درجرکاری ا کرشخس

فكن خود والمتوجه نقله ثابتي نكند بمقودنخوا هدرسيد و على الدها دسه اله

مُستُول معبود خود دانسته از خبانت و رفتار برخلاف حقبقت ومبل همشر خویش

و منسود عدده از معلومات في الرون معلق المنطول و اعتراز از عدلات زنانه

از فیبل جاد و و طعم آش بیبی سه گنبه سفره بی بی حور و بی بی نور

و غیری و خود استه و خلیا دیده من خود کانن های ایرانی برای لجانیت بك

بقيمت لذيه وصل كاد عوهم خورش دا در مجله كليمهما وغيره سرف ابن قبهل

و البته مردم عم در مقابل علاوه بر الساف بصفيات فوق بايد نا آخرين

مهملات مبنما بند بس آن زنها را نمبتواندن خوب کفت ، روم بدر است من

المُسَى تَعْوَدُ آزُ المَقَّدُ ﴿ وَوَجَاتُ أُورُهُمِرُدُ ۖ فَأَ ذَرِ لَيَاهَا أَنِي وَأَزَّ مُمَّارَى زَنَ عُورَس بهره

دیکر از آب دهن سك تولید می شود ، استنای سکهای خانکی بواسطه رعایت

امر شد که کلبه سکهای طبوان را بله اسلامه خانه سلطنتی که یك مقدارا

فيت و كلية رحمات من المهدر مبدهد و هر دفعه الديكر خبري المبرسيد كار ال كار مبكد شت وكليه

و بوسیله مکن و پنه بانسان سرایت می حفظ الصحه عمومی معدوم نمایند

كند از طرف صحبه بلدى وإداره نظميه المن محويل اسلحه سلطنتي

اهتراز جهته همواره در خوشبختی و موفقبت شریك زندكانی خویش میكوشد

و البته اکر زن متذهب بمذلج و رویه تایتی باشد در همه کار خود را

خالاصه منظر و بمقيده من لنها وحافيت و أول زنهاى ابراني بك علت عمده

من خودٌ مُثَّاهِل نهمتم ولي بموجَّب مطا لعالمين كه ذر اين زمينه كرده ام

I we miss from a wind to distinct to

الم (ا مروى) اطلاعي بما نرسيده استه ه الله الرحاف ( دو برك ) مطمئن نثوه اورا رها الله معنى بعد از ظهر شد و خبيرى أز ﴿ كَلَادِيسٍ ) مُوسِمِه حوصله اسْ أمام كَتْتُو اصْطَرُا الرَّكَانَ ا بدنش رااستبلانمودا کر ازمادام (مرژی) نا یکساعت

A second residue to the second residue to th

الفتك هاى قديمي و انتبك أو الهنك هاى اسمنته يجد ددارى زعمارت ساطنتي وزارت حِلْكُ ؛ للعوال داده شد كه : بعض از آنها ا برای زینت و نمایش بکاوپ قطبام اختصاص بدهند شایت

المأحبه الزلى إز التمعبل خان تكومت بواسط مداخلات در امور حقوقي شكابت كوده ضمنا أمى نويده سهد آ قا حَانَ و سَبِّه الْحَلَّالُ أَازُ طُرِفُ حَكُوْ مِنَ شنول فسل و قطع دعاوی فردم هستند الماشاي متاعدت الماس

المالة مرزوار ور ممن رايورت مَهُ مِاهِهِ تَقَامُنَا لِنَتُودِهِ اسْتَ ادارِهِ نَظْمَهِهُ وامنبه راوادار بمسائدت باعدامه كغند و منمنا از جلو کبری مداخلات حکومت

اظهار یاس کرده است ارابورت ا و دوز. قبل شدعی العموم بدایت ا اداره نظمیه رفته پس از سر کشی امام وائر و بازدید محیش را پور لی بو زارت

عدابه داده حاربي از اينگه ١٦٠ نفر به عُنُوانَ ٱلبَاعَ خَالُوا قَرَبُونَ دَرَّمَحُيسَ أَسْمِهِ لُو قَبْفُ وَ بِالْإِلْكَانِهُ لَدُ الْقَاضَا أَ نَعْرُ دَهُ جُراى لعبين تكليف أنها شريخي بوزادت عادجه نوشته شود 💮 🦠 💮 المراد المعابت از العربق حقوق

وغصابه أباد فووشء والبع أبسه تفسعاه حقولي شنه إنهاء والمذه الداده ساليه شكايت كوده است ران شایت از جکومت عدامه فوجاناز حكومت آنجاشات مبكيند ك يا ستهاى عدليه را حا بگیرد — مراکب از طرفوزادت عدلیه

ا مَثْمَدُ رُواْ فاسدُ تُمايِد اللهِ اللهِ يوزارت داخله توشه شد شكايت از كنبل دراسان أز كفيل أيال خراسان شكابت شده أَمُّمُارُ ۚ البِّنَّهُ مَعَلَكُ \* مَتَّمَارٌ فَيُّ الشَّعْطَيُّ \* وَ أزايد الأعارج والمصرف ديكرى داده THE CONTRACT OF THE STATE OF الأراب المالي المالية المالية

ر ادمال شده است کی در رسیان

بجديت انتظام شهور افراهم كرده ودراين وقم انتخابات طرف حنن فان أها ليي واقع عده است فستخط هما بو نسي در بنصوض انتخابات دوره ينجم شرفسدور إفت مثنول انجام وظايف هستند ويروز كاشته فوسيه جهنان فقره ا پرداخت حقوق سرقت که واقع شده بوده است در طهران ر مرند \_ امنیت حامل آقای حاج بیار کو بدایت از طرف کمپ اریای نواحی

اطائ خود رفته کاغذی را که روی میز بود

الوين الكال العجب يفت الين ياك حوا

شده ۱ ... شاعب ، جرا کاغذ را قبحی

كرده اند المنها والمالية المالية المالية

بعرفها ممنسون مكستوب ان اینقرار بود : ﴿

برداشتند . المراضية المراضية المراضية

محمود واله لمتحد الوكر - آشاي أخراج والمنتول شدة فوج ذوم تصرت نجم الساطني بعنوان اينكه آقاى من بمن ( در دعوای اکراد ) کهاز مالیه نیرین عدم دادم پؤد که برای نوعبال میکبرم! وسول تموده البود يسرا بإزان مزبورة حون نكرفت لرياكخورده است سمحمود برتمه صاحبان حقوق متدرجيا مبيزدازد دبروز كفشته حباب بيارك بدايت شديمد موا حند زوز است العال می إدر واغلب أيحقبقات لازمه عصر أذيروز مرخص

خودكفي در تثبيجه خلف وعده

a production of the space

منتداحا زواطه

حركت ومراجعت

غُربستان که خند روز است بناسری امدر

ند این دو روزه بطرف شوشتر در آخمت

مهنما یند بارند کی های نا فع شده امنیت

محولاك وسرما

مروز کولاك سختی شد کومهای اطراف

رًا بَرِفُ كَامِلِي زُده است و حالبههم مي

راه بواسطه برف

آیوانکی ــ نینه روزاست هوا سرهٔ

فبروز كوم به موروز استطوفان

سهفتي شده المت امروز قوافل كه قبل

ر فلهور بس ک رکردفد مناجعت و انك

الوجه أنك إزاميح الى غروب برفهي

للاید و ولاك سختی میكند بیم آن

مُشَرِقُ عِ الشَّمَا بَاتُ

السمنان - ارفع الملك كفيل حكومت

احمد خان امبر چنبجه درندی و ارد مبلغی د ا

محمره ــ مشار الدوله حكمران

اقدام انتخابات والشكمل منتبلس مشاورهمالي كرروس ـ حكم للكراني باابلاغ امروز چهار ساعت… بعد از ظهراً فريان مارك هما يوني أبحث نسره ٢٠ عدلمه مجلس مشاوره عالى براى رسيدكي راجع به انتخابات دوره المنهبه پنجم بِتَكَايَا لَى كُهُ ازاعضاء و اجزاء شده لشكهل! زَيَارَتُ مَتَحَدُ ٱلمَالَ تَمْزُهُ ٥ شد ( ٢١ ) إحديث والمرات والمالي المالية حمل یا اوراق واسل همان روز جواب كتبا عرض نمود أحسب الامر مطابق

صَحت ابن ماموریت مقدس هرجه زو دار انجام خواهد أدود ( حکومت کروس )

دستور مترره انشاء الله بأ كمال دقت

شماره ۴۲

که از بابت حقوق علب افتاده سربادان

أشكيل المجمى نظار شاری کے للکراف میارك منفشم فرمان هما يو نبي ارواحنا " قداه رّاجع به أنيخابات بنجمين دوره القنبنيه زيارت فورا در مدجد جامع با خضور اهالي قوالت عموما با احساسات شاه برستانه مداول فرمان ميارك را استقيال قريبا حبب الامر انجبن نظار المبين وشروع له انتخابات خواهد على الله \* تمانای الما

خاکتر نے امروز امالی و انجار ا كيتر المكرافي أمقام امير المكوشوق موضو الحضار آقاى نايب عهدي خان به مشهد مو ده خون از این شخص کمال وضایت را دار ند استدمای بهنای مثار الله وا تتوده اند و البد وال ه الله كه أز ومول ، جواب مع روم

> واطلاعات مقرقه لرد أرت كليف

ا الله المون جريده فكارى الخبوا در موقعبكه در لندن براى المفاد سياست عبديد نسبت به آلمان

( کرو نبارد) کفت تا حالا نکایف مادام (مرژی

و لو پن ساکت بود و یا دو دست کونه های آنشين را مهنشود تزديك بود واقعا از موفقها محروم شده په منلوبېت خود اعتراف کند وير لب كفت : ( دو برك ) به اينجا آمده . پرسبدند: دو برك ا

جواب داد : بلی ، مادام ( مردی ) به اینجا آمده وأ پېش خو د خېال مېكر ده كه مراقب عمليات دو برك ) است ، درصور نبك في الواقع (دو برك) مراقب حركات او بوده ٠

الم پرشیدند: ( دوبرك) "چطور بسه اطاق ما!

﴿ جُوابِ داد : شاید همین نو کری که مارا از آمدن مادام ( مرژی ) هم مطلع نساخت د او را آورده الشد . در هر حال و کبل به این اطاق آمده و پس از خواندن مکتوب دو گلمه اصل آن راحبده و رفته است .

كفتند: ما مبتوانيم ، أين نو كررا استنطاق

مرکزی مُنزل داشت ، امروز صبح اسباب ي هايش را به کار ( . . . ) نقل کود . به اهاره راه آهن هم المن نمود كه يك اطاق مخمنوس ، در کرنی که به ( : . ) ر مبرود برایش نکاهدارند ه ( من نمیدانم ، لرنجه وقت حرکت میکند

اوین کفت:خملی غریب کاست ۱ مامنتظریسم ﴿ ﴿ مِبْهِما نَبْغًا مُهُ حَتِّي كُفَّتَ ؛ أَيْنِهَا نَمْي كِيمِنْهُ إِنَّهِ اللَّهِ مِبْهُمْ إِنَّهِ اللَّهِ خودش بهاينهجا آمد . المناهدا أن الدينا والمعالية كفت: حِطور الشَّوْمَ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهُ اللَّالِي اللَّهُ اللَّا اللَّالِي اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللّ \* حَوْاتُ دَاد : بِلَيْ مَ أَوْ دَرُ عَبِابٍ شَمَا بِهُ إِنْجَا آمد وكأغذى دَرُ الحالَيُ النَّمَا كَذَاشَتُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ

لوين با رفقايش باكمال شتاب از بله كان به

الطلاع مبدادة بنا في أبن نبل بمنصورة بك كاراً است المناه الله المناه المناه المناه المناه الماها المناه الماها ا ﴿ حَوَابُ دَاد مَ كَامِلًا الْجَمْنَانُ دَارُم مِنْ مِ الْجَهَانُ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ السيد پرسيد : و اسم من اسم ميدو ( نبكل ) هم مكتوبي در يافت نكره، ايد؛ والله المرات المرات الم آنجا منزل کرده بودند ه انتظار ارباب را رخواب داد: ابدا ، رئیده منزل کرده بودند ه انتظار ارباب را رئیده داد: ابدا ، رئید وفتها وبن را دیدند کفتند: هنوز ازمادام که از مادام ( او دران ) ( اسم ساختکی کلاریس ا بو د) برای ماکاغذی برسد،

رَ وَ لَيْ بِغَلِمَ أَرْظُهُمْ بِهُكَارُ خُواهُمْ رَفْتُ . كُنَّا » همم هو سه بيكار بها لبد نا او رادستكبر (بال او) - كنت: خوب، ما سه سدام كار أيد بزويم بأبطلاوه ارن بكجا مبرود ؟ درست اسم

كار و مقشد ( دُو برك) را جبده اند ؟

و بین دو اتین فرانسه و بریطانهای کیم . اختلا فا ني يلو لبد شده بود بخبر ا فوت ﴾ ( الرد ثدت کابف ) انگلهمنی معروف که الاوستى وازادت كامل مخوبد را درنسختتترين ٤ فراقع ا بفرانسه ابراز الموري مراود المتسر المراجد المن المن الما المراجع ا إِن شَخْصَ مهارت فُوقَ الْهَادُهُ ' ذُرُّا لَمُوُّرُ حريده نكارئ داشته درا أوابل فعالمت المُحَوِّدُ القِدامُ بِهِ نَاسُمِسُ أَنْكُ كَارَخًا نَهُ بِزُرِكُ کاغد سازی مبنماید کهاز حوب جنگاهای حزيره (اراو) كليه كاغذ لازمه سهجريده معروف ( نايمس ) ( دايلي مهل ) ( دایلی مهرور ) و پایجاهٔ روز تا مجات دیکر را لهمه کنند

ه و در سن جهل سالکی ارد مزیــور مؤسس شصت روز نامه و مجلات بوده است که در ایجت نظر سه شرکت مهم اداره مبشد در سنه ۱۹۰۷ مشار البه به مديريت جريده ( اليمس ) نايل كشته از طرف عُموم ارباب جرايد به الفاق آراء به لقب [نا بلبون حريد، ألماري] شناخته شد . الردنرت کلیف در مدت جنك اخبر ورسبله اعمال نفود شخصى و بهار أنداحس قوای حریده نکاری دو ات بریطانیا را لحریك و نشوق نمود که از هر حبث "نهايت ماعدت رايدولت فرائسة مبذول

حادد . وسایل و اقتدار او بندری زیاد يد، بود كه زدر ماه ما س ١٩١٦ يس از آنکه ساعتی جند در مهمترین جنك های (وردن ) شخصا حضور بهم رسانبدا عَيْسِ هَمَانَ رُوزُ نِتُوانِسَتُ بَهُ ٣٠٠٠٠جِرِيدُهُ منعقين و دول بي طرف مقاله ارسال دارد و اعلان نماید که همچوفت المانها مو فق به اسخبر ( وردن ) نخو اهناها شد . بدیمی است که این نوع عملیات و مماعدت همای مثار البه ناتبرات كلى دُرُ حَالَتُ رُوحَى عَمَا سُ مَنْقَينَ وليد مي ندري المنظمة المنظمة المنظمة

در نتیجه خدمالی که به مملکت خود نموده بود در سنه ۱۹۱۸ به مقام ( ویکنت ) نابل: کنردید و از آن المعد به سمت ریاست اداره پرپاکاند در مما اك دشمن إنتخاب شدو ضو منها أبكه از این طریق به دشمن می زد بقدری مؤتر و کار کر بود که عبوم مات المان از منار البه متفر شده سكه مخصوص برای ( متنفر از نرت کلیف ) منتشر

ساختند . الله به العاد الله به العاد فرانسهٔ و انگابس داشت نوت او برای این دو مملکت فقدان بزر کی شمر ده آ

## احارطاره

، بران - بواسطه اطاعت از شعار أَسُونَهُمُ مِنْ إِنَّا وَرَ كُذُرًا نَدُنَّ بِكُ رُوزُ أعتماب بمنا سبت روز الدوين قروانمان سلاخ خا نه اسن نسد و پانزده نفر از خُدمت اخرأج شدند .

إران . و او امای نظامی فرانسه حکمی

صادر را کرده الله که مجازات نشر او رای و يَشْبُ وَأَمُّهُ أَى خَطْمَى أَدْرُ وَوَاحِيَ أَشْفَالَ؟ شده المراجعة المناسبة المراجعة المراجعة ع ( د ب ع) د که يواف لوم اله و کرد and it is a second مراون بوران، الله فرانسه ها مجددا الجمام زیادی از کار کران طرئی آهن آلمانی را از ناحبه رور نیمبد کردند... ( p . 4) coming state of the الم المروز المواد المالية المروز المراد الم

نمایند کان عنمانی کی در ۱۸ آوریل البيامت او زان تحرك الخواهند أمو دعمار لند از عصمت باشا و رضا نور تُبهك و عاصه ببك و حهار نفر منشاروهم خنين رشاد رقها د ببك و تبس اداره مطبوعات

مقرقه المساوية على المادة ا بالهارين مسكو - امروزشوراي نمايندكان كمساريات ماليه از ولايات ومديران شعب عمده ماليه افتقاح فيافت ورفمق أولاريبيروف كغيل كمبشؤ مالبه اتذر ضن بما نات خُود اظهار داشت که در سَأَلُ بُودُجِهُ جَارَى براي أو لبن دفعة مُمَّمَنَ كُبرديد كَهُ بُودجه بِكَمَاهُهُ وَ بُودجه عائدات نهيه ومَّعَمِن كُردد المان على (ب ، م)

meile un les les ا مشكو أ- كارخا نه إلهمه شبشه هاى عكاشي مسكو كه جهارتها والعطيل بود و مكار ا فتاد أيركر أم الوليدات ابن كارا عانه الندارة ايستك احتياجات مملكت رًا كه بشراى شبكة هاى لازمة باشمان بېمائى دارد رفع خواهد قىود

(1:4) had be contactions in a la level contact النيا روستوف - اداره لحارت دو لتي جنوب شرقسي مقدان ينجاء هزا تدينود اقسام مختلف رشم وكرك به جامبورك فرستاده است الله المعدا ( ب ؛ م )

و المنكوسية بإزار المكارة بادكونهدر بانزدهم أمه افتتاخ متماند المصاحب

mon ( promone ) increase and an arrange of the second Part of Michigan Herry مسكو - بواسطه افتتاح مكاره البون جُمعي از الجارلخا فهاي عمده فَسَرُ أَنَّمُهُ إِبْشَنَهُمَّا دُالِي أَبْمُجُلِّسُ إِلَّا فِيلَ يطروكراد أرسال فموده وبراى شروع المجازت بإروسيه أظهاؤ المايل كردواند to proving the later of

وی مسکو ۔ از روی اسنادید که در اثبات لقصير خليفه ليحون در حرائد انتشار یّا فته است معلوم مبکردد که مناو البه با سلسله جنمانان روسی و اجنبى مداخلات نظامي بر ضد روسية \* رَوْا بَطِي دَاشَتِهِ آسَتَ . لَيْخُونُ شَخْصًا اقرار كرده آت كه أز د الكبن و كَوْلَجَاكُ وَ كُرَاسِنُوفَ أَقُوبِتُ نَمُودُهُ بُوُ رُوْ بادسكي و آنند بس كرده بالشكم الات ضدا نقلا بی موسوم بمرکز اهای موا فقت داشته وقبا مداخلات نظأمي فرآنسه ها همراه بوده أست عمليات البيخون النفر وأنزجاري ببن زوحانبون نولبد نمود

که روحانبون بخلم مثار اله از مقام خلیفه کری موفق شده و محاکمه اش را أَمَاضًا تَمُوْدُونُنَدُ ﴿ وَرَا مُرَاسِلُهُ ثُمِكُمُ يطر خايفه سببرى بروزنامه ايروستباأ نوشته راجع به لبخون خِلْمِنْ شَرْحُ مَمِدُهُدُ که این شخص مرکز سیاسی مراجع ـ لرين محافل جامعه روس ومحرك عمدي مَصَا دَمَاتَ خُولَمِنَى بَـُودُ كُمْ دَرَ مُسَمُّلُهُ ضيط جواهرات كلبسباها بمنفعت فحطي زدكان بوقوع بموست خليفة سبيري ازا جانب روحانہوں شہبری نقاضا مہکند که <sub>برا</sub>نهخون و همدستانش سبزای اعمال<sup>اً</sup> خود ایزاسند و دو ۲۹ آوریل جامعه آ كالبسباي اروش ذرا مسكو ازا عملمات انكبن البخون اظهار أتنفر كنند ؛ ٤ (7.40) 4. ....

أُ لَنْدُنَّ دُّرُّ مُوفَّعَ أَطُرْخُ لِأَبْحَهُ مَا لَهِهُ رُمُجُاسَ عَوامُ دُوْلَتَ شَكَمَتَ آبَى أَظُهُرُنَى أَ متحمل كرديده لائحه مربور ١٣٨ رای موافق و ۱٤٥ مخالف پېداکر ده شكست دولت در ساست آله حكومت نائهراني خواهد دائت ريب ، م 17 AL ...

لندن - مذاكرات بين كارفر ما بان و کار کران ، سنا عب ساختما نی قطع كود يده ه اغتماب ممكوس كه شامل بعال یك كرور نفر ششود نزدیك استم اس مكسرة ، ووالمحتمار دهم آوريل وزيرا مناغل أزعمداخله درفضيه أمتناع فمود 77737 -172 -175

وينه - أعتصابُ كاركران موسنات شهری بود اپنت اوسهه میباید بلبس عمارت كارخانه جراغ برق رامحاسرة كرده و ۱۱۳ نفر را لوقبف لموده كار كران كارخا نجات خوراك ببازئ شهری اعتصاب کردند . مجالس کاریا كران بتوسط قواى ليس متفرق مبشونه الروري ) م الله و ده استاها دلي . white it is the to the trade it is

فراقه سني مواونفر ازكاد كران ساجي در صدد اعتماب مستنه الله الله (p. ..)

a spalitation of being for . . . المشكند - كييس سجيه ير روسية مقدا و زیادی دو آجات به نماینده نر کستان ور محكو السليم نموده لوازمات وتدان شازی زیادی از خارجه وارد ا شده ات به المرابع والمرائبة اجرائبه أداره مهارزه باعواف قحطي معادل فُ • ٨٨ و د آود براى اطنال فرغا ته اختضاض داده ات المالة الما عدماني أ بو حدد اطلاعات آثرانس روار همج بك از داؤ طلبان وكالت مخالف حكومت فعلى نهيت . بالم حرايد فرانمه اشعار مي دارند كه نصویت طرح ساختن راه آهن (جـتر) امریکائی از طرف مجاس آنقره موجب أعجب در محائل اسلامبول شده زيرا بر ملاف امتبازی است که در ۱۹۱۶ به الماع فرانسه داده اند و در ازاء آن و ات عنمانی وانصد ملبون فرانك اماما

دریاقت داشته ـ هنوز معلوم نبست تبجه لر لبب مجلس ملى طرح مذ كور را سويت آ تُقْرَة أستبطاحي از دوات در خصوس (پ.پ) را نمو ده و کمېس امور تندهيي رامورد and the said here is a line to the - اسلامدول المد حكومت آ نقره الصعبم كرفته استكه العرفه كشريكي وارلهات

كنفوانس آ ا\_ى مناغل در ما اكتبر

شر الم المعالمة المعا

منعقد شده و یك هفته بطول انجامه

as applied on a significant land

المنافعة حكومت آنفراء ورو العقبت اجراعي

تُنظِّأَشُتُ أَخُو وَمُ تُشْمِتُ مُ مِفْرِا تُشَدُّ مَقُورٍ وَاشْتُهُ

است که افریس زبان فرانسه در کلاس

عاى عالى إلى مدا وس عالى موا والله

شؤة ودر كلاس مائعالي فير الدريس بزبان

فراقه لقلبل يابد ومسيسها يصوب مستعلم

Compared to the second of the second مَمَا لَكُنَّى زُا كُهُ تَمَعَا مِلْهُ مُثَّقَا بِلَّهِ بَا غُمَّمَا نَيْ؟ نمي دکشد سبت برا بره بکند . اسب ا المرو أثر الطلاع خاصل أموده است ス(ジャッツール ちゅうちょう كه دو لت مشغول مطالعة مو فقبت فما يلده to see here the first see to the كان لجار لي خود والمحدر ممكو مباشد منوا قل والمنافع الكراف واصل از زنو محنين شماكي فر بوطة باين عقبده فستند كي كدشته از است كل هملت مد يره اداره وين المللي قضایای مربوطه به بود کبونر و (سیدلاك) مشاغل مذاكرا لمي در اطسراف اشكالات تها علل و دلایل فنی ومصوص میکن الصويب قا نون هَدْت ساعت كار مُخْصُوصُ ا است مراجعت نما يندفان را مؤجَّجة سازو ُ نُوسُطُ دُولٌ فَرَا نَشُهُ ۖ وَ ۚ انْكَابِسَ ۚ وَ ۗ [ لمان ُ و اخبرا موقعیت دو ات رؤسیه خبلی غبر المعمل آورده و كمهنه مرك أز ٩ عَمْوُ دوستانه بوده ات العبين كرده است كه "مطا اما أي اور" الما مين ا فعويد فرار داد مذ كور بقمل ٢وڙند و المركان قام أز أعناي مطبوعات [ لمان وَ ابْرُا حِنْيْنَ الْمُسْتَمِمَ كُرُ فَتُهَ شَدَّهُ آسَتَ كُو

ه شعت ناراز نمایند کان مجلس ملی

سوء استعمال وجوه حاصله أو موقو فات

الهام قدرار داده آند مجلس مدعو لسان

این استبعالخرا آید بر فته است ع میسید

وزير داخله آلمان به عبال قيصر مخلوع آلسان حکم دآمه است کی از ازاضی آلمان خارج شود 

که در دوم آور الله در اس دستکمر

أ شده بود مستخلص و لبعبد شده است

نظرهٔ بنگا دو له معتمانی در معلوقارد اشارائي در ارامي اطراق ارتشان و ادنه به امر بكالبها بالقد دولي فواله اعداق أود و معلى من المعال المعراق أوده احد على المعراق المعال المعراق المعال ا بدراول موبود مرد دانسه ال جان و درفاء و سلام مست و دول جدر سورخ

the second of th المان من آخرین مسایقه فو نبال بین کلوپ طهران و کلوپ کلنس ایکلیس در پذیرم المولمة ٢ شهر منها منه ساعت معد أز ظهر ورد زمين الوعنيل عانه ﴿ للم المام الموان وروازه يوسف آياد خواهد توق المناه على المناه على المناه ال والمرابع المتعلاقة مندان بيورزش براى كثوبق كلوب طهران و الماشاي اين منظوم فشنك روز وزيوز را اشريف فريا شده محظوظ خواهند شد مو المستخدم المس

a demand of the fact of the same of the sa باديس - ازفراد- معلوم درشال المه من دليد در المد و المالي من النالق من المالي من المالي المالية المالي The state of the s

د استير.	إعدد	انت	لبره	شلبنك	پنش	ه تکی د مده ا
	V	7	7		1 2 1	سهام با نك شاهنشا هي قرضه ۱۹۴۱ فو لتا بران معارفي كباني ننتجنوب

A Taring to the State of the Same.	
10-10- 10- 10- 10- 10- 10- 10- 10- 10- 1	المدن مكتوبي (ع. ۹۹ ) . المدن مكتوبي (ع. ۹۹ ) . المدن مكتوبي (ع. ۹۵ – ۹۹ ) . المرب مدن مدن المدن المد
مرحد به چهره بازنده بازده به مده به در البرد بازده بازده بازده به	

مطبعه بی سفون سه (۲